

Assessment in Group work (An Operational Plan for Development Groups Assay) MASOMEH MOAREFVAND¹

Abstract

Group assay is a kind of step which often has been neglected. Most of social workers assume that the monitoring and evaluation of group work is a time consuming step which dose not have concrete results for social workers. Lack of exact planning in all steps of group work and existence of ambiguity in assay steps lead to marginalize the group assay. This article not only reviews the necessities of group assay but also discuss about all which should test in a group, assay steps and most important information gathering ways in a group. In this direction initial scheme has been provided to put the group assay into operation based on Development Approach, manner of activity and basic principles applied in Planning and Project Control.

Key words: group, group assay, group work, monitoring& evaluation (M&E)
Masoumeh Maarefvand (MSW)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ M .A in social Work arammaref@yahoo.com maarefvandsw@yahoo.com

سنجش در مددکاری گروهی

برنامه عملیاتی سنجش برای گروه های توسعه

معصومه معارف وند^۱

چکیده

سنجش گروه اقدامی است که اغلب مورد غفلت واقع می شود. بیشتر مددکاران تصور می کنند پایش و ارزشیابی گروه کاری وقت گیر است که نتایج روشنی را هم در اختیار مددکاران قرار نمی دهد. عدم برنامه ریزی دقیق برای کلیه مراحل کار گروهی و ابهام مراحل سنجش مهمترین دلایلی هستند که موجب در حاشیه قرار گرفتن سنجش گروه می شوند. در این مقاله ضمن مرور ضرورت های سنجش گروه، آنچه باید در یک گروه مورد سنجش قرار گیرد، مراحل سنجش و مهمترین شیوه های جمع آوری اطلاعات در مورد گروه به بحث گذاشته خواهد شد. در همین راستا برای اولین بار بر مبنای دیدگاه توسعه (رشد نگر)، شیوه فعالیت و با استفاده از اصول پایه بکار گرفته شده در روش های برنامه ریزی و کنترل پروژه طرح اولیه ای برای عملیاتی نمودن سنجش گروه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: گروه، سنجش گروه، مددکاری گروهی، پایش و ارزشیابی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جمع علوم انسانی

arammaref@yahoo.com maarefvandsw@yahoo.com

۱ - کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی - تلفن ۲۲۴۲-۷۶۲

معصومه معارف وند

بیان مسئله

پویایی های گروهی ، خود تصمیم گیری و توجه به مشارکت اعضا می نامد ! با این وصف قدرت پیش بینی مددکار به عنوان یک فرد متخصص به طور قابل ملاحظه ای کاهش می یابد و در عمل امکان اندیشیدن تدابیر مناسب برای جمع آوری داده و تحلیل آنها به منظور سنجش عملکرد گروه از وی سلب می شود .

ابهام مراحل سنجش : دومین علت این است که مفهوم سنجش گروههای انسانی علیرغم قلم فرسایی های بسیار ، هنوز برای کسانی که با گروهها کار می کنند بسیار مبهم و غیر عملی می نماید . در منابع موجود کمتر می توان به پیشنهادهای عملی برای سنجش گروه دست پیدا کرد . در این منابع بدون اینکه به پیشنهادهای مشخص برای سنجش گروه پرداخته شود ، برخی اصول و شیوه های کلی مطالعه گروه ها تکرار شده اند . بخصوص به این نکته اساسی توجه نشده است که برای سنجش گروه های مختلف در قالب دیدگاه های متفاوت مددکاری گروهی باید از چه شیوه هایی استفاده کرد .

بی تردید در این مجال کوتاه امکان ارائه راه حل عملی برای سنجش گروه در شرایط مختلف وجود نخواهد داشت ولی تلاش بر این بوده است که پس از مروری کلی بر جنبه های عملی و کاربردی روشهای سنجش گروه ، الگویی عملیاتی برای سنجش گروه بر اساس رویکرد وظیفه نگر ارائه شود . ضروری است بر این نکته تاکید شود که بی تردید امکان کنترل و سنجش کلیه متغیر های موثر بر گروه های انسانی وجود ندارد و مددکار در سنجش گروه احتمالاً با محدودیت هایی روبرو خواهد شد ولی نویسنده معتقد است با طراحی چارچوب مناسب برای سنجش می توان نتایج حاصل را قابل بهره برداری و مستند نمود .

"چرا باید گروه را مورد سنجش قرار دهیم ؟ (دیدگاه مددکار گروهی)

علتهای پرداختن به سنجش گروه :

تعیین آثار مداخله های صورت گرفته در گروه

برخی سنجش گروه را کاری غیر ممکن یا بسیار مشکل می پندارند . برخی هم معتقدند سنجش گروه به صورت علمی فقط موجب اتلاف وقت مددکار می شود و در عمل نتیجه ای فراتر از آنچه مددکار در گروه مشاهده می نماید ، حاصل نمی گردد . آنها معتقدند چیزی در گروه بر مددکار پنهان نمی ماند که به واسطه سنجش گروه آشکار گردد چرا که مددکار به دلیل رابطه چهره به چهره با اعضا قادر است به خوبی تغییرات حاصل شده در اعضا را دریابد . اما واقعیت این است که در بسیاری از موارد به دلیل تنظیم نکردن چارچوب مناسبی برای جمع آوری داده ها و سنجش ، بخش مهمی از اطلاعات در مورد عملکرد حقیقی گروه را از دست می دهیم . رابطه چهره به چهره با اعضا می تواند یک عامل تعیین کننده در سنجش گروه تلقی شود ولی اطلاعات حاصل از آن نمی تواند واقعیت گروه را به طور کامل بیان کند . متأسفانه در ایران انجام این بخش از فرآیند کار گروه تا اندازه زیادی به فراموشی سپرده شده است . باید بر دشواری سنجش گروه صحنه گذاشت و علت دوری کردن مددکاران از سنجش گروه را می توان بیش از هر چیز در دو امر کلیدی جستجو نمود : عدم برنامه ریزی دقیق برای کلیه مراحل کار گروهی و ابهام مراحل سنجش .

عدم برنامه ریزی دقیق برای کلیه مراحل کار گروهی : در مددکاری اجتماعی بر اصل خود تصمیم گیری و مشارکت فرد در حل مشکل تاکید می شود . از سوی دیگر در مددکاری گروهی دو مفهوم پایه دیگر می توانند در تنظیم مراحل کار گروه تاثیر چشمگیر بگذارند ؛ پویایی گروه و انعطاف در برنامه پیش بینی شده برای آن . برخی مددکاران گروهی به استناد این چهار محور در عمل تلاشی برای برنامه ریزی نمی کنند . در چنین شرایطی مددکار گروه را بر اساس برخی اطلاعات کلی ، با اهداف کلی (و به ندرت کمی) و بدون پیش بینی دقیق مراحل تغییر تشکیل می دهد ، تا اندازه زیادی تسلیم آنچه در گروه رخ می دهد ، می شود و این رفتار انفعالی و بی برنامهگی را انعطاف پذیری ، توجه به

نوع دوم بررسی وضعیت گروه است که به ارزشیابی فرایند تعبیر می شود. مددکار باید به این سؤال پاسخ گوید که آیا شرایطی که در گروه پدید آمده است به گونه ای است که گروه بتواند به اهداف خود دست یابد؟ و آیا کیفیت مراحلی که گروه از آنها عبور نموده است، امکان دستیابی به اهداف کوتاه مدت پیش بینی شده را فراهم می آورد؟

برقرار کردن ارتباط بین ارزشیابی فرایند و خروجی های گروه یک مشکل قدیمی و جدی در سنجش گروه است. از لحاظ روش شناختی فرایندهای گروهی می توانند خروجی ها را دچار اختلال نمایند. رز و همکاران به این نکته اشاره کرده اند که چنانچه دو ارزشیاب بصورت جداگانه گروه را مورد ارزشیابی فرایند قرار دهند، احتمال اینکه تعبیر آنها از یک وضعیت مشخص در گروه کاملاً متفاوت باشد، بسیار زیاد است.

در ارزشیابی مددکاری فردی آنچه باید مورد ارزشیابی قرار گیرد محدود به مراجعه کننده، مددکار و کنش و واکنش های میان آنها است ولی در کار گروهی آنچه باید مورد سنجش قرار گیرد، بطور هندسی با ورود هر عضو گسترش می یابد چون هر فرد به تنهایی، زیر گروه های دو نفره، سه نفره یا بیش از آن همگی می توانند هدف سنجش گروه قرار گیرند. به عنوان مثال در یک گروه ۶ نفره که یکی از آنها رهبر گروه است، مددکار می تواند بر ۶ عضو، ۱۵ زیر گروه دو نفره، ۲۰ زیر گروه سه نفره، ۱۵ زیر گروه چهار نفره، ۶ زیر گروه پنج نفره و گروه با کلیه اعضایش (۶ نفر) به عنوان اهداف سنجش متمرکز شود. سنجش زیر گروه ها با فرض معنادار و مفید بودن ارزشیابی آنها مورد توجه قرار گرفته اند.

سنجش گروه می تواند بطور نامناسب نیز به کار رود. مثلاً سنجش گروه بدون در نظر گرفتن اینکه ارزشیابی گروه چه کمک مشخصی به مراجعه کننده یا رهبر خواهد نمود (۲). روشن نبودن موضوع و علت سنجش می تواند تنها موجب اتلاف وقت و انرژی شده و به نتیجه مشخصی منتهی نشود.

قبل از آغاز فرایند سنجش لازم است برخی موارد به دقت تعیین شوند:

الف: واحد تحلیل

اطلاعات حاصل از سنجش می تواند به مددکار کمک کند که مهارت های رهبری خود را ارتقا بخشد.

سنجش گروه می تواند اثبات کند که چه نوع گروه یا چه شیوه ای در کار با گروه می تواند در یک موسسه، یک منبع سرمایه گذاری یا جامعه کارکرد بهتری داشته باشد.

مددکاران می توانند عملکرد اعضا را مورد بررسی قرار دهند و تعیین کنند که آیا گروه در راستای دستیابی به اهداف اقدام می کند یا خیر.

سنجش به اعضا و کسانی که تحت تاثیر گروه قرار می گیرند اجازه می دهد رضایت یا عدم رضایت خود را از گروه ابراز نمایند. مددکاران می توانند به این ترتیب به دانشی دست یابند که می توانند تجربیات خود را با سایر مددکارانی که گروه هایی مشابه در شرایط یکسان تشکیل می دهند به اشتراک بگذارند.

مددکاران می توانند فرضیه هایی را که معمولاً در کار با گروه بدانها می پردازند، بطور سیستماتیک نظم داده و برای سنجش آنها برنامه ریزی نمایند.^(۱)

چه چیزی را مورد سنجش قرار دهیم؟ (ارزشیابی فرایند و ارزشیابی خروجی)^(۲)

بطور کلی دو نوع اثر در مورد گروه قابل سنجش است:

ارزشیابی برآمد و خروجی گروه که شامل سنجش میزان دستیابی گروه به اهداف تعیین شده می باشد. سئوالی که مددکار در جریان این نوع ارزیابی باید پاسخ دهد این است که آیا تغییری که انتظار داشته است رخ داده است؟ بی تردید این تغییر در سطح فردی و گروه به معنای یک کل قابل بررسی است.

^۲ لازم به توضیح است ولاگان ارزیابی، پایش و ارزشیابی به ترتیب به عنوان معادل های Evaluation, Monitoring, Assessment در نظر گرفته شده اند.

- منظور از ارزیابی سنجش قبل از آغاز فرایند است که زمینه را برای برنامه ریزی درست مهیا می کند.
- پایش به سنجش همزمان با اجرای مراحل پروژه گفته می شود و اطلاعات لازم را برای ممانعت از انحراف فرایند از مسیر پیش بینی شده در اختیار مجری قرار می دهد.
- ارزشیابی به سنجش پس از پایان مراحل اجرایی اطلاق می شود.

معصومه معارف وند

(۱۹۹۴) در مرور ۵۰ سال مطالعات گروهی به مبحث سنجش گروه توجه ویژه ای نشان دادند. آنها از محققین خواستند به جای طرح های تحقیق بسیار موشکافانه، به دقت گروه را مشاهده نموده، تشریح کنند. پس از آن است که ابزار ویژه اندازه گیری می تواند بکار آید. نقد بدنام و کال در مورد سنجش گروه بر این مسئله مهم تاکید می نماید که کارآمدی هر سنجشی به این بستگی دارد که مفاهیم مورد سنجش به روشنی توضیح داده شوند.

در مددکاری گروهی و تحقیق های مربوط به گروه ها مشکلی که در تعریف مفاهیم بسیار به چشم می خورد هنگام ارزیابی فرایند گروه است. اگرچه مطالب زیادی در مورد فرایند گروه در اختیار ماست باید اذعان نمود که توافق کمی در مورد آن وجود دارد. حتی در مورد پدیده های بسیار پایه در تشریح فرایند گروه اختلاف نظر وجود دارد. به عنوان مثال اغلب صاحب نظران با این امر موافقتند که همبستگی نقش بسزایی در اثرگذاری گروه دارد. همبستگی بالا با تغییرات درمانی ارتباط دارد (دیز و تلسکا، ۱۹۸۵) در حالی که همبستگی ضعیف و کناره گیری اعضا از عضویت در گروه با یکدیگر رابطه متقابل دارند (لیبرمن و همکاران، ۱۹۷۳) ولی در مورد اینکه چگونه همبستگی را تعریف کنیم، توافق اندکی وجود دارد. به تعاریف زیر توجه کنید:

مجموعه نیروهایی که سبب می شود اعضا در گروه باقی بمانند (فستینگرو اسکاتر، ۱۹۵۰)

جذابیت گروه (لیبرمن و همکاران، ۱۹۷۳)

ترکیب روابط عضو-عضو، عضو-درمانگر و عضو-گروه (قاریمن و بارلو، ۱۹۸۲)

میزان درگیری و مشارکت عضو در گروه و توجه و رابطه دوستانه ای که در مورد دیگران نشان می دهد.

کال و بدنام (۱۹۸۶) به این نتیجه رسیدند که در تحقیقات مربوط به همبستگی در گروه، همبستگی وجود ندارد!

لازم است که مددکار یا محقق گروهی قبل از هر چیز مفاهیم موردنظر برای سنجش را به وضوح تعریف کند این امر می تواند مددکار را به سوی عملیاتی کردن مفاهیم سوق دهد. (۲)

اشتباهی که از نظر روش شناسی در سنجش گروه رخ می دهد این است که در بسیاری از موارد واحد سنجش با واحد تحلیل گروه یکسان تلقی می شود. به این ترتیب محققان گروه اطلاعات را بر اساس رفتارهای فردی جمع آوری و تحلیل می کنند و آنرا برای تحلیل گروه بکار می برند. چنین برداشتی بسیار خطرناک است. اولین خطر این است که اطلاعاتی که در یک سطح جمع آوری می شوند (مثلاً در سطح فردی)، به عنوان اطلاعات مربوط به سایر سطوح بکار می رود (مثل اینکه اطلاعات در سطح فردی جمع آوری شده اند ولی به سطوح ارتباطی دو یا سه نفره و یا کل گروه تعمیم داده می شوند). بعلاوه اگر ما بر اساس مبانی تئوری به این نکته اعتقاد داریم که گروه چیزی فراتر از جمع چبری اعضای آن است پس لازم است علاوه بر جمع آوری اطلاعات در سطح فردی به دنبال داده ای باشیم که به درستی بتوانند گروه را تشریح نمایند. چنانچه اطلاعات سطح فردی را برای تشریح گروه به عنوان یک کل بکار ببریم، در گروه بندی داده ها اشتباه رخ می دهد. این مسئله زیاد اتفاق می افتد که نمره ای که به رفتار یک عضو گروه داده می شود به عنوان امتیاز کل گروه در نظر گرفته می شود. گلیسون (۱۹۸۶) به خطر ناشی از این دیدگاه اشاره کرده است: شیوه مشخص کردن امتیاز فردی می تواند سبب تخمین دور از واقعیت امتیاز گروه شود (تخمین امتیاز گروه بیشتر یا کمتر از آنچه که واقعاً بوده است).

در برخی مطالعات مربوط به مددکاری گروهی ممکن است تحلیل سطح فردی اهمیت کمتری نسبت به سایر سطوح داشته باشد. مثلاً میتون (۱۹۹۳) یک پارادایم بوم شناختی برای درک گروه های خودیار پیشنهاد داد که در آن به بافت اجتماع و سایر فراسیستم ها توجه می شود. در این مدل اگر گروه خودیار به عنوان اجتماع در نظر گرفته می شود، در نتیجه متغیر های سطح اجتماعی نیز باید اندازه گرفته شوند.

ب: تعریف مفاهیم

سنجش با تعریف روشنی از مفاهیمی که باید مورد سنجش قرار گیرند، آغاز می شود و نه با انتخاب ابزار سنجش. بدنام و کال

ج : تعیین روش جمع آوری اطلاعات

مددکاران به شیوه های مختلف برای جمع آوری داده ها اقدام می کنند مهمترین شیوه های جمع آوری داده به قرار زیر هستند :
یادداشت هایی که همزمان با برگزاری جلسات ثبت می شوند
خود گزارش دهی یا مصاحبه های فردی با مددکار ، اعضا و مشاهده گران

پرسشنامه ها

تحلیل گزارش های گروه یا هر نتیجه ای که از گروه حاصل شده است
مرور نوارهای صوتی و ویدئویی که از جلسات گروه ضبط شده اند

نمودار کدگذاری مشاهده ای

این شیوه های جمع آوری اطلاعات می توانند با همه روشهای سنجش گروه مورد استفاده قرار گیرند . با این حال برخی شیوه ها با تعدادی از روشهای سنجش همخوانی و کارآمدی بیشتری دارند . مثلاً یادداشت های همزمان با برگزاری جلسات گروه بیشتر در روشهایی کاربرد دارد که به پایش گروه می پردازند . استفاده از مقیاس هایی که روایی و اعتبار آنها تایید شده است بیشتر زمانی بکار می روند که می خواهیم اثربخشی گروه را مورد بررسی قرار دهیم یا به عبارتی به ارزیابی برآیند بپردازیم (توسلند و ریواز ، ۱۹۹۸ ، ص ۳۶۸) با توجه به اینکه روش استفاده از پرسشنامه و چک لیست ها در مقایسه با سایر روشها بیشتر بکار گرفته می شوند، از توضیح آنها چشم پوشی نموده به شرح مختصری در مورد روشهای دیگر پرداخته می شود.
گزارشهای اعضای گروه :

یک راهکار برای جمع آوری اطلاعات درباره فعل و انفعالات گروه این است که از اعضای گروه بخواهیم آنچه را در گروه رخ داده گزارش کنند . این گزارشها می توانند تا اندازه ای به جزئیات بپردازند . تا اندازه ای کمی باشند (مثلاً در فرم مدل اندازه گیری) . گزارش های اعضا تقریباً همیشه گذشته نگر هستند _ گزارشها بعد از جلسه نوشته می شوند _ هرچند محققان از شرکت کنندگان می خواهند که قضاوت هایشان را هنگامی که فعل و انفعالات در جریان است ثبت کنند .

باید توجه داشت که برای مطالعات طولانی مدت درباره گروه ها ، گزارشهای اعضا اغلب درباره یک دوره مهم یا حیات پیش از گروه (مثلاً هفته یا ماه یا سال قبل) ثبت می شود و نه در مورد یک "جلسه" گروه .

در هر صورت استفاده از گزارشهای اعضا بصورت متناوب (مکرر) در مورد فعل و انفعالات گروه خطر واکنش پذیری جدی را افزایش می دهد که در آن اعضای گروه نسبت به جنبه هایی از کنش و واکنش های گروه که در پرسشنامه ها مورد سؤال قرار می گیرند ، حساس خواهند شد . استفاده از گزارش های گذشته نگر همچنین خطر سوگیری های وابسته به در دسترس بودن ذهنیت ها (مثل وزن بخشی به واکنشهای تازه و بسیار نزدیک بیش از واکنشهای با فاصله زمانی بیشتر) را افزایش می دهد . بعلاوه ممکن است اعضای گروه نتوانند پاسخ معنی داری به سئوالات بدهند یا نتوانند از عهده انجام درجه بندی که در مفاهیم انتزاعی مورد توجه محققین است ، برآیند . ضمناً اعضای گروه ممکن است "معنای موقعیتی" به کنش و واکنش هایی بدهند که احتمالاً از نظر مشاهده گر بیرونی مفهومی کاملاً متفاوت دارد . همان اتفاقی که در مطالعات بین فرهنگی رخ می دهد .

رز (۱۹۸۴) تعدادی از روشهای ساده جمع آوری داده ها را تنظیم و معرفی کرده است . از جمله می توان به پرسشنامه هایی اشاره کرد که بعد از پایان جلسه گروهی تکمیل می شود (PSQ)^۱ . به وسیله این نوع پرسشنامه داده ها به صورت کمی و کیفی در مورد برداشت اعضا از گروه ، میزان رضایت مندی ایشان از گروه و همبستگی و خودافشاگری در گروه جمع آوری می شود . تاکنون گزارشی در مورد روایی و اعتبار PSQ منتشر نشده است ولی این شیوه به طور وسیعی توسط رز و همکارانش و تعداد دیگری از محققان و کسانی که با گروه ها کار می کنند به عنوان ابزاری ساده و در دسترس برای جمع آوری داده ها بکار برده می شود . پرسشنامه های ارزیابی پس از گروه معمولاً از اعضا می خواهند گروه را نقد کنند . مانند آنچه در زیر آمده است :

^۱ . Post Session Questionnaire

معصومه معارف وند

آنچه را مشاهده می کنند، ثبت نمایند. فرایند ثبت اطلاعات می تواند برای همه فعالیت های گروه یا در مورد نمونه ای از کنش و واکنش های گروه که به صورت منظم انتخاب می شود، انجام گیرد. هر قدر مشاهده گر اطلاعات را به جای ثبت کلمه به کلمه خلاصه یا چکیده می کند، بیشتر به کدگذاری همزمان می پردازد؛ حتی اگر اطلاعات حاصله به جای کمی و دسته بندی شدن، پراکنده و منظم باشند. هر قدر مشاهده گر برای ثبت کلمه به کلمه تلاش کند، نتایج بیشتر به استراتژی چهارم نزدیک می شود.

استفاده از ابزار برای ثبت اطلاعات:

روش عمومی دیگر برای جمع آوری اطلاعات در مورد فعل و انفعالات گروه این است که به وسیله ابزار مکانیکی و الکترونیکی رویدادهای گروه به صورت دائمی و کامل ثبت شوند. با این شیوه امکان تبدیل اطلاعات به کد بعد از پایان گروه، هنگام فعالیت گروه و تحت شرایط مورد نظر تحقیق فراهم می آید... فن آوری های متفاوتی برای ثبت گروه در زمانهای متفاوت در گذشته استفاده شده اند؛ مثلاً دوربین فیلمبرداری یا رادیو ضبط. امروزه دوربین فیلمبرداری به طور وسیعی در دسترس است، نسبتاً ارزان است و تکنولوژی موثری برای ثبت گروه می باشد. هر یک از این فن آوری ها محدودیت های قابل توجهی را بر نتایج تحمیل می کنند مثلاً ضبط صدا امکان تبدیل اطلاعات مربوط به رفتارهای غیر کلامی را منتفی می کند همچنین می تواند موجب شود در تشخیص منبع مشارکت های کلامی مختلف با مشکل مواجه شویم (در صورتی که تعداد اعضای گروه کمی زیاد باشد) مگر اینکه صدای هر عضو از طریق کانال اختصاصی ضبط شود. دوربین فیلمبرداری بخصوص آنهایی که در گذشته بسیار در دسترس و مورد استفاده در تحقیقات گروهی بودند، نسبتاً از کیفیت صدای پایینی برخوردارند، بنابراین همان مشکل که در مورد سیستم های ضبط صوت وجود داشت، اینجا هم وجود دارد. همه این وسایل فقط می توانند گروه را از یک زاویه ثبت کنند مگر اینکه ابزار ثبت چندگانه استفاده شود. مشاهده گران انسانی

« لطفاً اتفاقاتی را که در جلسه امروز برای شما از اهمیت برخوردار بوده اند، بطور خلاصه شرح دهید. احتمال دارد این اتفاقات در مورد شخص شما رخ داده باشند یا چیزی باشد که بین سایر اعضا اتفاق افتاده باشد ولی سبب شده که شما درباره خود بیشتر ببینید. توضیح دهید آن اتفاقی که برای شخص شما اهمیت داشته، چه بوده است؟»

مزیت این پرسشنامه ها این است که با سئوالهای از پیش تعیین شده موجب غربال شدن اطلاعات نمی شوند یا اطلاعات را محدود به برخی پاسخ های از پیش تعیین شده نمی کنند. ولی اشکال این است که شرکت کنندگان باید به خوبی به فن نوشتن آشنا باشند تا بتوانند رویدادهای درون گروه را شرح دهند. (۲)

استنباط کنش و واکنش از روابط دورن داد - برون داد

یک راه این است که بدون ثبت فعل و انفعالات، با اندازه گیری یا دستکاری دورن دادها (مثل تصمیم اولیه اعضای گروه) و اندازه گیری برون دادها (مثل تصمیم نهایی گروه) و ساختن یک سری استنباط های نظری در مورد آنچه باید در این میان اتفاق افتاده باشد، می توانیم به جمع آوری اطلاعات بپردازیم. این شیوه نیازی به سیستم کدگذاری یا روشهای تحلیل داده های کدگذاری شده ندارد. مفید واقع شدن این سیستم به این بستگی دارد که با چه دقتی مدل های نظری مورد تحلیل قرار گیرند.

بعنوان مثال گاهی مدل های قوی ریاضی و کامپیوتری برای ارتباط برقرار کردن میان شرایط دورن داد با نتایج پیش بینی شده مورد استفاده قرار می گیرند و سپس در مقابل نتایج تجربی بدست آمده مورد ارزیابی واقع می شوند. چنین مدل هایی بطور ضمنی فرض می کنند که دانش رفتارهای بین فردی اطلاعات قابل توجهی را به روابط بین دورن داد - برون داد نمی افزاید. (۳)

استفاده از مشاهده گر انسانی:

یک راهکار برای بدست آوردن اطلاعات در مورد کنش و واکنش های گروه این است که بخواهیم یک یا چند مشاهده گر - افرادی که اساساً عضو تیم تحقیق هستند تا عضو گروه - کنش و واکنش های گروه را هنگامی که اتفاق می افتند، مشاهده کنند و

برای اجرا شدن به زمان و سایر منابع (ابزار پیش بین شده ، پول ، نیروی انسانی و ...) احتیاج دارد.

روشهای تفکیک فعالیت ها :

روش تفکیک بر اساس موضوعات کارهای اصلی^۸ در این روش کارهای اصلی و عمده ای که گروه باید انجام دهد تا به هدف نهایی دست پیدا کند ، مبتنی بر تجزیه پروژه قرار می گیرند. ویژگی خاصی را که می توان در این روش جستجو کرد ، این است که عناصری که در زیر عنصر سطح بالاتر قرار دارند ، از جنس و از نوع کار عنصر سطح بالای خود هستند. در حالی که در روش تجزیه بر اساس مراحل چنین نیست و نوع کارهایی که در زیر یک عنصر قرار گرفته اند ، با یکدیگر و با نوع عنصر سطح بالاتر تفاوت دارند(۴).

روش تجزیه بر اساس هدف نهایی^۹

هر گروه برای دستیابی به اهداف مشخصی شکل می گیرد. در گروههای فعالیت معمولاً دو نوع هدف مورد نظر قرار می گیرد : هدف غایی : منظور از هدف غایی تغییری است که از لحاظ تخصصی مورد نظر است و در مواردی خود مددجو نیز نسبت به آن دارای بینش است .

هدف موقعیتی : شامل اهدافی می شود که به صورت عینی تر در پایان کار گروه حاصل می شوند و نظیر برگزاری یک مسابقه ، چاپ یک نشریه ، بازسازی ساختمان کتابخانه و ...

پیشنهاد این است که فعالیت ها بر اساس هدف نوع دوم تجزیه شوند. چراکه این هدف کمی تر و عینی تر است و استخراج فعالیت ها با محور قرار دادن آنها ساده تر خواهد بود . ضمن اینکه معمولاً در گروههای فعالیت ظاهراً گروه در حال تلاش برای دستیابی به هدف نوع دوم است ولی مددکار با بهره گرفتن از موقعیت های ایجاد شده گروه را علاوه بر اهداف نوع ۲ به سمت دستیابی به هدف نوع یک نیز سوق می دهد.

روش خرد کردن بر اساس مراحل^{۱۰}

قادرند جای چشم انداز زاویه دید خود را در گروه آنگونه که می خواهند تغییر دهند .

این استراتژی مزایای مهمی برای مرحله بعدی که کدگذاری است ، دارد . اول اینکه نیاز نیست که مشاهده گر همه مشاهدات و کدگذاری ها را خود انجام دهد . با ضبط فرایند گروه، کدگذار می تواند نوار را نگه دارد ، برگرداند و بارها آنرا ببیند یا بشنود. استفاده از سیستم های ضبط گروه جنبه های منفی هم دارد هر چند جنبه های منفی آن به اندازه مشاهده همزمان در گروه نیست. هزینه استفاده از این ابزار می تواند بالا باشد ولی هزینه هایش کمتر از استخدام مشاهده گر همزمان خواهد بود.

اگر تشکیل گروه را یک پروژه تلقی کنیم که ضرورتاً نیاز به برنامه ریزی ، اجرا ، نظارت و ارزشیابی دارد ، اولین مرحله برنامه ریزی خواهد بود؛ کاری که به ندرت انجام می شود و در بسیاری از موارد که انجام می شود نیز ناقص است ، ثبت نمی شود و ... واقعیت این است که ارزیابی گروهی که برای آن برنامه ریزی صورت نگرفته بسیار مشکل خواهد بود. بخصوص ارزیابی فرایند در چنین گروهی با مسائل جدی روبرو می شود. با این وصف علاوه بر توجه به تعیین واحد تحلیل ، تعریف مفاهیم و انتخاب روش مناسب برای جمع آوری داده ها ، برنامه ریزی برای گروه عاملی تعیین کننده در سنجش خواهد بود. در اینجا با استفاده از مبانی ساده شده مدیریت و کنترل پروژه چارچوبی عملیاتی برای برنامه ریزی گروه ارائه شده است:

برنامه ریزی

گام اول :

تهیه فهرست فرایند فعالیت ها و ترسیم رابطه و شبکه آنها^۵

فعالیت :

کوچکترین واحد عملیاتی که مشخصاتی به شرح زیر دارد^۶ :
زمان شروع ، مدت اجرا و زمان خاتمه معینی دارد .

منطقی است و با سایر فعالیت های پروژه رابطه^۷ یا بستگی^۸ دارد.

^۸ . Function Orientation Approach

^۹ . Goal Orientation Approach

^{۱۰} . Phase Orientation Approach

^۵ . Process Breakdown Structure

^۶ . Relationship

^۷ . Dependency

معصومه معارف وند

واحد زمان را روز قرار دهیم. برای گروه هایی که جلساتشان به صورت هفتگی برگزار می شود، واحد هفته مناسب تر است و... زمان می تواند یکی از مباحث مهم برای سنجش عملکرد گروه در نظر گرفته شود. بخصوص در مورد گروه هایی که محدودیت زمانی دارند این شاخص می تواند بررسی شود.

ابزار: ضرورتاً انجام همه فعالیت ها به ابزار مشخصی احتیاج ندارند ولی در گروه های فعالیت احتمال بکارگیری ابزار معمولاً بیش از سایر انواع گروه ها می باشد. از این رو پیش بینی آنها در موفقیت گروه تعیین کننده خواهد بود.

مجری یا مجریان: هر فعالیت مجری یا مجریانی خواهد داشت. بررسی نحوه عملکرد اعضا در اجرای فعالیت ها مهمترین مبحث پایش و ارزشیابی گروه ها محسوب می شود. گام سوم:

زمانبندی کل فرایند گروه (از پیش تشکیل تا پیگیری)

جدول تشخیص روابط فعالیتها

برای ترسیم فعالیت ها و رابطه میان آنها از جدول تشخیص روابط فعالیت ها استفاده می کنیم. به این منظور فعالیت های مرحله پیش تشکیل و روابط آنها را در یک گروه فرضی در جدول زیر آورده ایم. این الگوی بسیار ساده می تواند یکی از مهمترین ابزارهای مددکار در سنجش گروه باشد.

چنانچه بر اساس نظریه مارگارت مراحل چندگانه زیر را به عنوان مراحل رشد گروه مورد توجه قرار دهیم، امکان خرد کردن فعالیتها در هر یک از مراحل وجود خواهد داشت:

پیش تشکیل

جهت یابی^{۱۱}

تعارض^{۱۲}

انسجام^{۱۳}

عملکرد^{۱۴}

خاتمه

پس از خاتمه

بدین منظور لازم است نقطه شروع و پایان هر مرحله به صورت دقیق تعریف و فعالیت های ضروری برای تحقق هر مرحله در نظر گرفته شود.

بی تردید استفاده از هر یک از ۳ روش فوق برای تجزیه فعالیت ها امکان پذیرند ولی آنچه مناسب ترین روش را در هر موقعیت تعیین می کند، میزان اطلاعات مددکار از گروه در هر یک از حوزه های سه گانه فوق است. در عین حال شاخصهای مورد نظر برای سنجش کار گروه نیز می توانند جزء عوامل تعیین کننده محسوب شوند.

گام دوم:

برآورد زمان اجرای هر فعالیت و ابزار مورد نیاز و تعیین اجرا کننده یا اجرا کنندگان هر فعالیت

زمان: واحد برآورد زمان اجرای فعالیتها را می توان به تناسب مدت زمانی که حیات گروه ادامه خواهد داشت در نظر گرفت. مثلاً اگر قرار است گروهی را در یک اردوی دو هفته ای تشکیل دهیم و جلسات آن را با فاصله زمانی کم برگزار کنیم، بهتر است

^{۱۱} . Orientation

^{۱۲} . Conflict

^{۱۳} . Coherence

^{۱۴} . Performance

نشریه مددکاری اجتماعی

عنوان فعالیت*	کد فعالیت	شرح فعالیت	فعالیت	فعالیت
Pretest (بخشی از مرحله پیش تشکیل) **	A	با استفاده از پرسشنامه های نرم شده مهارت های ارتباطی اعضا مورد سنجش قرار می گیرد	_____	فعالیت بلافاصله قبلی بعدی
آشنایی اعضای گروه با یکدیگر (جهت یابی)	B		A	
هدف گذاری (جهت یابی)	C		B	
انتخاب شیوه های دستیابی به هدف یا کمک مددکار (تعارفی)	D		C	
تقسیم کار و تعیین زیرگروه های کاری و وظایف آنها (کمیته های مختلف) (السام)	E	موضوع کمیته ها به تناسب موضوع گروه می تواند تغییر کند. این اعضای گروه هستند که زمینه های کاری را با کمک مددکار مشخص نموده ، کمیته ها را بر اساس آن شکل می دهند. مددکار می تواند با توجه به شناختی که بر اساس پیش آزمون و مصاحبه های اولیه از اعضا بدست آورده است ، آنها را در برنامه هایی شرکت دهد که امکان کسب مهارت های مناسب تری را برای ایشان فراهم می کند	D	
تهیه ابزار های مورد نیاز (مستلزم)	F	معمولاً گروه های فعالیت برای دستیابی به اهداف خود به ابزار خاصی نیاز پیدا می کنند. ابزار یا هرمان مددکار گروه تهیه واحد شد. ضمن این که مددکار می تواند قبل از تشکیل گروه برخی از آنها را فراهم نماید	E	
آغاز فعالیت کمیته ها (مستلزم)	G	کمیته ها یا زیر گروه ها بر فعالیتی که گروه در مورد آن توافق نموده است ، متمرکز می شوند. آنها موظفند عملیات مورد نظر گروه را به اجرا در آورند. مددکار علاوه بر پیش عملکرد گروه از موقعیت های مختلف برای ارتقاء مهارت های ارتباطی اعضا بهره خواهد جست	F	
ارائه گزارش در جلسات گروهی و بحث در مورد نحوه پیشرفت کار (مستلزم)	H	اعضا علاوه بر آنکه در مورد نتایج دست آمده گزارش های خود را به گروه ارائه می کنند باید توسط مددکار به تشریح چگونگی دستیابی به نتایج تشویق شوند (باید فراموش کرد که هر گروه های فعالیت این فرایند است که از قسمت ویژه برخوردار است و نه نتیجه)	G	
بحث و ارائه راهکار برای برطرف کردن موانع (مستلزم)	I	استفاده از مهارت ها و توانمندی های گروهی برای کسب بیش ، دستیابی و راهکار مناسب و معیروار	H	
جمع بندی (خاتمه)	J	این فعالیت با همکاری اعضا و مددکار انجام می گیرد	I	
ارزشیابی و خاتمه (خاتمه)	K	Posttest & Evaluation سنجش Output	J	
پیکربندی (پس از خاتمه)	L	سنجش Outcome	K	

* فعالیت ها بر اساس مراحل تفکیک شده اند. ارزشیابی هر یک از فعالیتهایی که در جدول فعالیتها ** مراحل چندگانه رشد گروه با توجه به نظریه مارگارت در این جدول به اختصار مورد توجه قرار گرفته اند. بی تردید امکان ریزتر کردن فعالیت ها وجود دارد. برای اندازه گیری خروجی ها لازم است که مددکار گروهی در مورد چند نکته تصمیم گیری کند: چه چیزی باید اندازه گرفته شود؟ چگونه اندازه گیری شود؟ چه کسی داده ها را جمع آوری کند و یا کجا اطلاعات جمع آوری خواهند شد؟

قبل از اینکه سنجش را آغاز کنیم باید بطور دقیق روشن کنیم که می خواهیم چه چیزی را بسنجیم (هدف) ، شاخص های ارزیابی مورد نظر کدامند (شاخص ها) ، چگونه و در چه زمانی شاخص ها را بررسی خواهیم کرد و نحوه گزارش نتایج پایش و ارزشیابی چگونه خواهد بود؟ اگر تصمیم دارید تغییر برخی فاکتورها را در گروه مورد بررسی قرار دهید، لازم است بدانید گروه قبل از آغاز بکار در چه شرایطی بسر می برده است و بطور مشخص متغیرهای

معصومه معارف وند

پرسشنامه C.S.Q شاخص شیوه انفصالی مقابله با تنیدگی به حساب آمده است.

شیوه اجتنابی: راهبردهایی است که ناهشیارانه برای فاصله گرفتن و اجتناب از منبع تنیدگی، اعم از اجتناب در سطح تفکر و انکار وجود عامل استرس‌زا و یا اجتناب در سطح عمل، اتخاذ می‌شود. در این پژوهش نمرات بدست آمده از مجموع مواد شماره ۱۱، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۸، ۳۱، ۳۸، ۴۲، ۴۴، ۵۱، ۵۲ و ۵۹ در پرسشنامه C.S.Q شاخص شیوه اجتنابی مقابله با تنیدگی در نظر گرفته شده است.

شیوه شناختی: راهبردهایی است که هشیارانه برای مقابله مستقیم با منبع تنیدگی و جهت حل مسأله بکار برده می‌شود. در این پژوهش نمرات بدست آمده از مجموع مواد شماره ۲، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۴، ۲۶، ۳۰، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۵۷ و ۵۸ در پرسشنامه C.S.Q شاخص شیوه شناختی مقابله با تنیدگی است. شیوه هیجانی: راهبردهایی است که تحت تاثیر حالت‌های هیجانی اتخاذ می‌شود. در این پژوهش نمرات بدست آمده از مجموع موارد شماره ۱، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۵، ۳۴، ۳۷، ۴۱، ۴۶، ۴۹، ۵۴ و ۵۶ در پرسشنامه C.S.Q شاخص شیوه هیجانی مقابله با تنیدگی است (۵).

سلامت روان:

منظور از سلامت روانی نداشتن نشانه‌های مرضی جسمانی، اضطراب، نارساکنش‌وری اجتماعی و افسردگی است که با شکل ۲۸ سؤالی پرسشنامه سلامت عمومی (G.H.Q) اندازه‌گیری می‌شود. براساس این پرسشنامه، نشانه‌های جسمانی با احساس بیمار بودن، نیاز داشتن به دارو، ضعف، سستی، سردرد و... مشخص می‌شود. منظور از اضطراب داشتن نشانه‌هایی از قبیل بی‌خوابی، احساس فشار و تنیدگی، عصبانی و بد خلق شدن، هراس و وحشت بی‌دلیل، دلشوره و... است. نارساکنش‌وری اجتماعی شامل مواردی چون ناتوانی در سرگرم نگه‌داشتن خود، ناتوانی از انجام کارها، عدم رضایت از فعالیت‌ها و اشکال در

مورد نظر شما در چه سطحی قرار داشته‌اند. در چنین شرایطی است که برای سنجش متغیرها به استفاده از ابزارهای قابل اعتماد در قالب پیش‌آزمون و پس‌آزمون نیاز خواهید داشت. انتخاب مناسب متغیرهای سنجش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع این اهداف گروه هستند که متغیرها را مشخص می‌کنند. بی‌تردید متغیرهای بسیاری در گروه‌های انسانی قابل بررسی هستند ولی برگزیدن متغیرهای متناسب با اهداف کمی گروه مسیر سنجش را تا اندازه زیادی معین می‌نماید. این اهداف گروه و در پی آن متغیرها هستند که روش پایش و ارزشیابی را محدود و تعیین می‌کنند، نوع مناسب ابزارهای سنجش را مشخص می‌نمایند و مانع از بروز بی‌نظمی در سنجش می‌شوند. پس از تعیین متغیرها و نحوه سنجش آنها قادر خواهید بود شاخص‌هایی را برای ارزیابی میزان دستیابی به اهداف گروه مشخص نمایید.

مثال:

عنوان گروه: بهبود مهارت‌های مقابله‌ای

شرکت‌گندگان در گروه: دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی
نوع گروه از لحاظ نظری: گروه توسعه (شیوه فعالیت)

اهداف کمی:

افزایش ۵ نمره‌ای امتیاز کسب شده توسط شرکت‌کنندگان در آزمون سلامت روان

تغییر روش مقابله حداقل ۶۰ درصد اعضای گروه از هیجانی، انفصالی و اجتنابی به شناختی
تعریف مفاهیم:

نمرات بدست آمده از طریق اجرای پرسشنامه C.S.Q شاخص مقابله هر شخصی است که با ۴ روش شناختی، هیجانی، اجتنابی و انفصالی انجام می‌پذیرد.

شیوه انفصالی: راهبردهایی است که ناهشیارانه برای مقابله مستقیم با رویداد تنیدگی‌زا بکار برده می‌شود نه با منبع رویداد تنیدگی‌زا!

در این پژوهش نمرات بدست آمده از مجموع مواد شماره ۳، ۴، ۸، ۱۳، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۲، ۵۵ در

۱۰. General Health Questionair

نشریه مددکاری اجتماعی

تصمیم گیری است. احساس هایی چون بی ارزش بودن خود و زندگی، ناامیدی، خودکشی و... بیانگرافسردگی است (۵)

شاخص ها :

ردیف	متغیر	شاخص / قلم آماری	نوع شاخص		ابزار سنجش
			فرایندی	برایندی	
۱	سلامت عمومی	میانگین نمره کسب شده توسط اعضای گروه در پس آزمون میانگین نمره کسب شده توسط اعضای گروه در پیش آزمون	✓		آزمون GHQ
۲	شیوه مقابله ای	تعداد افراد با مهارت مقابله ای شناختی بر اساس نمره پس آزمون تعداد افراد با مهارت مقابله ای شناختی بر اساس نمره پیش آزمون		✓	آزمون CSQ
۳	اجرای فعالیت بر اساس جدول فعالیت ها	امتیاز کلی گروه در اجرای فعالیت های طراحی شده	✓		چک لیست تنظیم شده (فعالیت ها با استفاده از طبیف ۵ قسمتی لیبرت ارزیابی می شوند) *

ارزیابی اجرای مطلوب فعالیت ها توسط اعضا (با استفاده از)

عنوان فعالیت	کد فعالیت	چگونگی اجرا				
		بسیار خوب	خوب	متوسط	بد	بسیار بد
(متظور فعالیت های ذکر شده در جدول فعالیت های گروه است. بی تردید جدول فعالیت ها برای هر گروه می تواند متفاوت باشد)						

منابع :

(۱) Toseland, Ronald W and Rivas, Robert F. (۱۹۹۸). An Introduction to Group Work Practice. Allyn and Bacon.

(۲) Garvin, Charles D. et al. (۲۰۰۴). Handbook of Social Work With Groups. Guilford Press.

(۳) Hogg, Michael A and Tindale, Scott. (۲۰۰۳). Blackwell Handbook of Social Psychology : Group Processes. Blackwell Publishing.

(۴) نادری پور، محمود. (۱۳۷۹). برنامه ریزی و کنترل پروژه. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

(۵) موقر، مهشید. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش مهارت های مقابله ای در تغییر شیوه های مواجهه با تنش و سلامت روان نوجوانان دختر ۱۶ تا ۱۸ ساله ساکن در مراکز شبانه روزی بهزیستی استان تهران